



Employment Pathology in Undergraduate Counseling Graduates: A Qualitative Study

Mohammad Kahrabai Kalkhoran Olya¹, Zeinab Pendar²

1. (Corresponding author), Master of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. m_kahrobai@yahoo.com
2. PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. zeinabpendar@gmail.com

ABSTRACT

Received: 07/25/2022 - Accepted: 06/29/2023

Aim: The present study was conducted with the aim of employment pathology in undergraduate counseling graduates. **Methods:** The present study is qualitative and has been done by content analysis method. The study population was undergraduate counseling graduates in which 15 people were selected as a sample by targeted and snowball methods. Sampling continued until the data reached saturation. Semi-structured interviews were used to collect data. After the initial coding, the topics were analyzed and the categories were categorized. **Findings:** The analysis of the findings of the semi-structured interview led to the extraction of 2 main themes, 6 sub-themes and 23 sub-themes on employment challenges from 88 codes. The main themes are intrapersonal challenges and extrapersonal challenges; Intrapersonal challenges include two sub-themes: personality issues and cognitive issues, and interpersonal challenges include four sub-themes: economic issues, educational issues, socio-cultural issues, and professional issues. **Conclusion:** Findings obtained from the sub-themes of cognitive and personality issues show that it is important to know the different dimensions of the field of study at the time of choosing it and personality traits in choosing and finding a suitable job appropriate to their field of study. The results obtained from the sub-topics of external challenges also show that the unhealthy economic situation and livelihood problems on the failure to achieve a job commensurate with education, poor quality and non-practical education in the undergraduate course, lack of diversity in related jobs, the difficulty of the counseling profession and the time consumption are obstacles that make it difficult for graduates of this field at the undergraduate level to be employed in more suitable jobs.

Keywords: Employment pathology, counseling, undergraduate, shafiabadi multi-axis model, qualitative research



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۲، شماره ۸۸، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v22i88.15456

آسیب‌شناسی اشتغال به کار مرتبط در فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته‌ی مشاوره: یک پژوهش کیفی

محمد کهربائی کلخوران علیا^۱، زینب پندار^۲

۱. (نویسنده مسئول)، کارشناس ارشد مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
m_kahrobaei@yahoo.com
۲. دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
zeinabpendar@gmail.com

(صفحات ۱۰۶-۱۲۷)

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی اشتغال به کار در فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مشاوره انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر از نوع کیفی و با روش تحلیل مضمون انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مشاوره بود که ۱۵ نفر با روش هدفمند و گلوله‌برفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که با افزایش حجم نمونه، حجم داده‌ها به شکل چشمگیری افزوده نمی‌شد و در واقع داده‌ها به حد اشباع رسیدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. سوالات بازپاسخ مصاحبه، مبتنی بر مبانی نظری الگوی شغلی چندمحوری شفیع‌آبادی تدوین شده بود و بعد از کدگذاری اولیه، به تحلیل مضامین و دسته‌بندی مقوله‌ها پرداخته شد. **یافته‌ها:** تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه منجر به استخراج ۲ مضمون اصلی، ۶ مضمون نیمه‌فرعی و ۲۲ مضمون فرعی درباره چالش‌های اشتغال از ۸۸ کد شده است. مضامین اصلی عبارتند از چالش‌های درون‌فردی و چالش‌های برون‌فردی؛ چالش‌های درون‌فردی شامل ۲ مضمون نیمه‌فرعی مسائل شخصیتی و مسائل شناختی است و چالش‌های برون‌فردی شامل ۴ مضمون نیمه‌فرعی تحت عنوان مسائل اقتصادی، مسائل آموزشی، مسائل فرهنگی-اجتماعی و مسائل حرفه‌ای بود. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های بدست‌آمده از مضامین فرعی مسائل شناختی و شخصیتی نشان می‌دهند که شناخت ابعاد مختلف رشته تحصیلی در زمان انتخاب آن و ویژگی‌های شخصیتی در انتخاب و یافتن شغل متناسب با رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان مشاوره حائز اهمیت است. همچنین نتایج بدست‌آمده از مضامین چالش‌های برون‌فردی نیز نشان می‌دهند، معضلات اقتصادی و معیشتی، آموزش کم‌کیفیت و غیرکاربردی در دوره کارشناسی دانشگاه، عدم تنوع در شغل‌های مرتبط، دشواری حرفه مشاوره و زمان‌بر بودن، موانعی هستند که باعث می‌شوند دانشجویان این رشته پس از فراغت از تحصیل، نتوانند در شغل متناسب با رشته مشاوره مشغول به کار شوند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۸

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی اشتغال، رشته مشاوره، مقطع کارشناسی، الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی، پژوهش کیفی

مقدمه

داشتن شغل مناسب به عنوان یکی از نیازهای ضروری هر فرد، از اهمیت فراوانی برخوردار است. شغل علاوه بر تامین نیازمندی‌های اقتصادی و کسب درآمد، ایجاد حس رضایت مندی در فرد، آثار تربیتی، روان‌شناختی، اجتماعی و معنوی زیادی در بر دارد (رضایی، شفیع‌آبادی، فلسفی‌نژاد، ۱۳۹۴). با این حال گزارش مرکز آمار ایران از سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد، ۹/۶ درصد از جمعیت فعال بالای ۱۵ سال، بیکار بوده‌اند. این در حالی است که نرخ بیکاری جمعیت فارغ‌التحصیل آموزش عالی برابر با ۱۳/۷ درصد بوده است. در همین راستا سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران نیز برابر با ۴۲/۱ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).

اگرچه معضل بیکاری تبعات سنگینی هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی و فرهنگی برای کل جمعیت کشور به دنبال دارد، اما بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت این موضوع به دو دلیل است؛ یک دلیل این است که سرمایه‌گذاری انجام شده برای تربیت نیروی انسانی ماهر در کشور بلااستفاده مانده است که این امر سبب وارد ساختن خسارت به اقتصاد ملی است و دلیل دیگر، نشان از فراهم نبودن بستری برای محول کردن نقش‌های اجتماعی به افراد تحصیل کرده برای نیل به اهداف توسعه کشور است (برومند، همتی‌نژاد، رضایی‌نژاد، و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از رشته‌های تحصیلی پر طرفدار گروه علوم انسانی در آموزش عالی، رشته مشاوره است. مشاوره رشته‌ای است که به نوعی به بررسی رفتار و فرآیندهای روانی و مطالعه رفتار انسان‌ها در ارتباط با محیط اطراف خود می‌پردازد (زارع، افراز، قسیمی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین مشاوره به عنوان فعالیتی تخصصی به تجزیه و تحلیل مشکلات روانی و یافتن راه‌حل‌های مناسب مبادرت می‌شود (نوابی‌نژاد، شفیع‌آبادی، ازهای و همکاران، ۱۳۹۵). دستیابی به هویت حرفه‌ای پایدار در این رشته یک فرآیند

زمان بر و یک پیوستار اضطراب‌زا است (فلانگان و فلانگان^۱، ۲۰۱۵). بنابراین هویت حرفه مشاوره پایدار باید شامل کسب تخصص در مشاوره و روابط مبتنی بر همکاری، حضور در سازمان‌های حرفه‌ای و فعالیت در زمینه‌ی پژوهش‌های دانشگاهی باشد (ماس، گیبسون و دلارهاید^۲، ۲۰۱۴). بر همین اساس اگرچه آمار دقیقی از فارغ‌التحصیلان بیکار یا مشغول به کار غیرمرتبط با رشته مشاوره وجود ندارد، اما مشاهده و تجربه میدانی حاکی از آن است که فارغ‌التحصیلان رشته مشاوره جهت اشتغال به حرفه مشاوره یا فعالیت‌های مرتبط با آن دچار چالش‌های بسیاری هستند.

از سوی دیگر اما الگوی شغلی چندمحوری شفیع‌آبادی نگرش رشدی به انتخاب شغل دارد. بر اساس این الگو، فرآیندها و نظریه‌های راهنمایی و مشاوره شغلی از عقاید مردم و مبانی فرهنگی جامعه متأثر است. در الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی با در نظر گرفتن پاسخ‌های واقعی مردم، در مسیر رشدی انتخاب شغل به چهار محور اصلی موثر یعنی هدفمندی، خویشتن‌پنداری، نیازها و تصمیم‌گیری دست می‌یابیم (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۹).

شفیع‌آبادی معتقد است که فردی که براساس محور هدفمندی با اهمیت توانمندسازی به عنوان یکی از راهکارهای کسب استقلال آشنا شده است، براساس محور پویایی، شیوه‌های پویا ماندن در شغل و بروز کردن دانش و مهارت‌های شغلی‌اش را آموخته است و براساس محور خویشتن‌پنداری، خویشتن‌پنداری مثبت خود را تقویت کرده است، براساس محور نیازها مهم‌ترین نیازهای شغلی و راهکارهای رفع آن‌ها را شناخته است و بالاخره براساس محور تصمیم‌گیری، با شیوه‌های تصمیم‌گیری سریع و مؤثر در کارش آشنا شده است و در نهایت با تکرار و تمرین، تغییرات مثبتی در این زمینه‌ها ایجاد کرده و این توانمندی‌ها را ملکه ذهن خود ساخته است و به راحتی تغییر نمی‌کند (صائمی‌فرد، بخشی‌پور، محمدی‌پور، ۱۳۹۹). این در صورتی است که اغلب

1. Flanagan, R & Flanagan

2. Moss, Gibson, & Dollarhide

افراد در هنگام انتخاب رشته تحصیلی دانشگاهی، مسیر شغلی خود را در نظر نمی‌گیرند و بدیهی است که دانشجویان رشته مشاوره نیز از این داستان مستثنی نیستند و بعد از فارغ‌التحصیلی، با چالش‌های اشتغال به حرفه مشاوره و فعالیت‌های مرتبط با آن روبرو می‌شوند. در این پژوهش، الگوی شغلی چندمحوری شفیع‌آبادی به دلیل ارائه یک فرآیند جامع‌نگر در مورد انتخاب شغل و همچنین تبیین اشتغال موفق به کار، مبنای مصاحبه‌ها و کشف و استخراج مضامین قرار گرفته است. این امر باعث می‌شود، مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها، از یک شبکه مفهومی معنادار و ساختارمند برخوردار باشند.

با این حال پژوهش‌های اندکی به بررسی چالش‌ها و موانع اشتغال به کار فارغ‌التحصیلان رشته مشاوره پرداخته‌اند. ملک‌پور و محمدی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند مهمترین مانع توسعه اشتغال از نظر پاسخگویان فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی رشته‌های علوم انسانی، عدم سرمایه‌گذاری دولت در امور زیربنایی، عدم اجرای کامل اصل خصوصی‌سازی و عدم تناسب رشته تحصیلی دانشگاه و بازار کار است.

از سوی دیگر تولو^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان می‌دهد، اشتغال به کار در فارغ‌التحصیلان رشته روان‌شناسی، تابعی است از جنسیت، محل سکونت، موفقیت تحصیلی و سطح انتظار آن‌ها از دریافت حقوق. همچنین هوانگ^۲ (۲۰۱۷) علل بیکاری فارغ‌التحصیلان را به ۴ دسته شرایط بازار کار، اشباع تحصیلی، فاصله از نقطه نظر اولیه در مورد رشته تحصیلی و میزان توانایی و مهارت‌های فردی طبقه‌بندی می‌کند.

با توجه به پیامدهای مخرب بیکاری و عدم اشتغال به حرفه مشاوره در فارغ‌التحصیلان این رشته، ضروری است که چرایی و چگونگی این پدیده در پژوهش‌های متعدد، از جنبه‌های متفاوت مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد و عوامل موثر

1. Tulu
2. Hwang

بر آن با روش‌های علمی دقیق، تبیین؛ و استراتژی‌های لازم جهت مقابله با این پدیده تدوین گردد. پژوهش حاضر نیز سعی دارد به این سوال بپردازد که چالش‌ها و موانع اشتغال به حرفه مرتبط در فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مشاوره چیست؟ و این چالش‌ها چگونه سبب می‌شود که فرد نتواند در حوزه‌های مرتبط به رشته مشاوره مشغول به کار شود؟

روش

این پژوهش از نوع کیفی است و با روش تحلیل مضمون انجام شده است. تحلیل مضمون یک روش کارآمد برای تحلیل داده‌های کیفی است. این روش داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و مفصل تبدیل می‌کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶).

جامعه مورد بررسی پژوهش حاضر، فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مشاوره بودند. در این پژوهش نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که با افزایش حجم نمونه، حجم داده‌ها به شکل چشمگیری افزوده نمی‌شد و در واقع داده‌ها به حد اشباع رسیدند. بر همین اساس، پژوهش با ۱۵ شرکت‌کننده به اشباع رسید و روند جمع‌آوری داده متوقف شد. افراد نمونه، ساکن شهر تهران و دانش‌آموخته دانشگاه‌های علامه طباطبائی، تهران و شهید بهشتی بودند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه بود و از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۵ پرسش بازپاسخ استفاده شد. محور اصلی سوالات بازپاسخ با توجه به ۴ محور اصلی الگوی شغلی چندمحوری شفیع‌آبادی تدوین شد. پرسش‌های مصاحبه به این شرح بودند: ۱. چه مسائلی مانع دستیابی شما به اهدافتان در رشته مشاوره بود؟ (هدفمندی) ۲. شما برای مشاور شدن با چه چالش‌هایی روبرو بودید؟ (خویش‌تن‌پنداره) ۳. ارزش‌ها و نیازهای شخصی شما چیست؟ و چگونه در این رشته برطرف می‌شود؟ (نیاز) ۴. شما چگونه مشاوره را انتخاب کردید؟ (تصمیم‌گیری) ۵. ارزیابی کلی شما از رشته مشاوره و چالش‌های اشتغال به کار مرتبط با

1. Braun, & Clarke,

این رشته چیست؟

معیارهای ورود به مصاحبه شامل: ۱. فارغ‌التحصیل بودن در مقطع کارشناسی رشته مشاوره بیش از یکسال، ۲. عدم اشتغال به کار در حوزه‌های مرتبط به رشته مشاوره، ۳. عدم اشتغال به تحصیل در مقاطع بالاتر از کارشناسی رشته مشاوره و ۴. تمایل به شرکت در مصاحبه بود. همچنین معیار خروج، عدم تمایل به ادامه فرآیند مصاحبه و پژوهش بود.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

متغیرها	فراوانی	فراوانی به درصد
جنسیت	مرد	۸
	زن	۴۷
سن	-۲۵	۲
	۲۵-۳۰	۹
وضعیت تاهل	متاهل	۶
	مجرد	۹
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۲
	بیکار	۳

زمان هر مصاحبه به طور میانگین ۲۵ دقیقه بود. در آغاز مصاحبه برای آسودگی مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده پس از معرفی طرفین، هدف از انجام تحقیق نیز بیان و سپس سوالات اصلی پژوهش مطرح شد. همچنین در حین مصاحبه، سوالات دیگری از متن مصاحبه استخراج و پرسیده شد تا مفاهیم به شکل واضح تبیین گردند. سپس متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و بعد از بازخوانی‌های مکرر متن مصاحبه‌ها و شناسایی جوهره اصلی هر متن، فرآیند کدگذاری اولیه آغاز شد. در این مسیر نیز از نرم‌افزار تحلیل

پژوهش‌های کیفی Maxqda نسخه ۲۰۱۸ استفاده شد. به منظور افزایش اعتبار یافته‌ها، تفسیر محققین به مصاحبه‌شوندگان ارائه و صحت آن‌ها بررسی شد. همچنین بخشی از یافته‌ها برای یک استاد محقق متخصص در رشته مشاوره ارسال شد که خارج از گروه پژوهشگران ای پژوهش بود؛ تا نظرات اصلاحی خود را بیان کند.

همچنین برای رعایت ملاحظات اخلاقی، در آغاز مصاحبه به مشارکت‌کنندگان درباره هدف پژوهش، روش مصاحبه، اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات و حق آن‌ها برای شرکت یا عدم شرکت در مطالعه، توضیحات کامل ارائه شد. رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان اخذ گردید. زمان و محل مصاحبه نیز با هماهنگی و توافق مشارکت‌کننده مشخص شد تا اختلالی در زندگی روزانه آن‌ها رخ ندهد. اصل رازداری و محرمانه بودن تمامی اطلاعات در هر مرحله از پژوهش به طور دقیق رعایت گردید.

یافته‌ها

یافته‌های ارائه شده در جدول ۲. حاصل توصیف، تبیین و تحلیل متن مصاحبه‌های اخذ شده از شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر و مبتنی بر روش‌شناسی پژوهش‌های کیفی و روش تحلیل مضمون است.

جدول ۲. مضامین اصلی، نیمه فرعی و فرعی مستخرج از متن مصاحبه‌ها

مضامین اصلی	مضامین نیمه فرعی	مضامین فرعی
		عدم آشنایی با رشته
	مسائل شناختی	عدم آگاهی از تفاوت رشته‌ها
		عدم بررسی بازار کار
		کمبود اعتماد به نفس و عدم هویت شغلی
	مسائل شخصیتی	نیاز به پختگی

مضامین اصلی	مضامین نیمه فرعی	مضامین فرعی
		اجبار به کسب درآمد
		شرایط دشوار اقتصادی
	مسائل اقتصادی	هزینه بالای جلسه مشاوره
		سطح درآمد پایین و کمبود تقاضا
		عدم حمایت بیمه‌ها
		عدم مهارت آموزی
	مسائل آموزشی	کمبود واحدهای درسی عملی
		پایین بودن کیفیت آموزش
چالش‌های برون فردی		اطلاعات ناکافی مشاوران تحصیلی
		اشباع فارغ التحصیلان
	مسائل فرهنگی-اجتماعی	عدم حمایت استارت‌آپ‌ها
		عدم شایسته‌سالاری
		فقدان فرهنگ مراجعه به مشاور
		نیاز به ادامه تحصیل
	مسائل حرفه‌ای	عدم تنوع در شغل‌های مرتبط
		دشواری حرفه مشاوره
		زمان بر بودن

نخست ۸۸ کد اولیه از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. در ادامه کدهای اولیه توسط گروه پژوهشگران مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفت و تعداد ۲۲ مضمون فرعی، ۶ مضمون نیمه فرعی و ۲ مضمون اصلی از کدهای اولیه کشف و شبکه ارتباطی آن‌ها ترسیم شد. در نهایت هر یک از مضامین به شکل مختصر و مفید تفسیر، تبیین و تحلیل شد.

مضمون اول: چالش‌های درون فردی

چالش‌های درون فردی به عنوان یکی از مضامین اصلی مستخرج از متن مصاحبه‌ها به این موضوع اشاره دارد که فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی در ساحت فردی و درون فردی با چه چالش‌هایی روبرو هستند که از اشتغال به کار در حوزه‌های مرتبط با رشته تحصیلی خود بازمی‌مانند. در واقع این مضمون حاکی از آن است که این افراد چه موانعی در خود می‌یابند که نمی‌توانند شغل متناسب با رشته تحصیلی‌شان را بیابند.

این مضمون خود به دو مضمون نیمه‌فرعی تقسیم می‌شود. جنبه اول این مضمون به مسائل شناختی در ارتباط با رشته تحصیلی مشاوره در دانشگاه‌ها اشاره دارد. مسائل شناختی بیانگر این است که شناخت افراد از رشته مشاوره، پیش از انتخاب آن برای ادامه تحصیل در دانشگاه به چه میزان بوده است. اغلب مصاحبه‌شوندگان به این امر اذعان داشته‌اند که اگرچه با تصمیم شخصی خود، رشته مشاوره را انتخاب کرده‌اند، اما از شناخت کافی و درست از این رشته در زمان انتخاب آن برخوردار نبوده‌اند. به عنوان مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱ می‌گوید: «با اینکه مشاوره انتخاب رشته هم رفته بودم ولی خیلی در مورد عنوان‌های درسی رشته مشاوره چیزی نمی‌دونستم، یعنی خیلی شناخت دقیقی نسبت به رشته مشاوره نداشتم».

از سوی دیگر اغلب افراد از تمایز رشته مشاوره با سایر رشته‌های یاورانه، به خصوص رشته روان‌شناسی، آگاه نیستند و به حسب شباهت این رشته با سایر رشته‌ها، آن را برمی‌گزینند. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این مورد می‌گوید: «در حقیقت من با هدف روان‌شناسی خوندن، مشاوره رو زدم».

دومین جنبه از مضمون چالش‌های درون فردی به بحث شخصیتی افراد مرتبط است. مسائل شخصیتی افراد گام را از انتخاب رشته فراتر می‌گذارد و در ویژگی‌های شخصیتی فرد عمیق می‌شود. به زعم مصاحبه‌شوندگان، اعتماد به نفس، پختگی و تجربه بالا در حرفه مشاوره از اهمیت بالایی برخوردار است. به شکلی که اشاره به این موضوع

فراوانی بالایی را در متن مصاحبه‌ها به خود اختصاص داده است. به عنوان مثال مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان می‌کند: «ترسی که اکثر ما در این رشته داریم، ورود یک مشاور در حوزه درمان با علم و تجربه کم است و اگر حتی علم هم داشته باشی، تجربه کم، ورود به درمان رو خیلی سخت و ترسناک می‌کنه». مصاحبه‌شونده شماره ۹ نیز در این مورد می‌گوید: «ترس ورود به این حرفه با توجه به تجربه بسیار کم و پایین، مانع از پیشرفت در این رشته می‌شه».

مضمون دوم: چالش‌های برون فردی

چالش‌های برون فردی، مضمون اصلی دیگر استخراج یافته از متن مصاحبه‌هاست. اگر چالش‌های درون فردی به جنبه‌ها و موانع فردی فارغ‌التحصیلان می‌پردازد و عدم اشتغال به کار در حیطه‌های مرتبط با رشته مشاوره را متوجه خود افراد می‌ساخت و به تعبیری اسنادهای درونی افراد را در این مورد برمی‌انگیزد، چالش‌های برون فردی اما به مسائل و موانع خارج از مسئولیت و تصمیم‌های فردی اشاره دارد و موانع اشتغال را در ساحت کلان تبیین می‌کند.

چالش‌های برون فردی، خود به ۴ مضمون نیمه فرعی تفکیک می‌شود. مسائل اقتصادی، مسائل آموزشی، مسائل فرهنگی-اجتماعی و مسائل حرفه‌ای. مسائل اقتصادی یکی از مضامین پرتکرار در متن مصاحبه‌ها بود. شرایط اقتصادی و چالش‌های مربوط به آن همواره بر نرخ اشتغال افراد یک جامعه موثر است. فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مشاوره نیز از این امر مستثنا نیستند. شرایط دشوار اقتصادی، پایین بودن سطح درآمد و هزینه بالای جلسات مشاوره از جمله مضامینی بود که از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. اگرچه وضعیت نابه‌سامان اقتصادی منجر به کاهش تقاضای خدمات مربوط به سلامت روان می‌شود اما عدم حمایت بیمه‌های درمانی از خدمات مشاوره‌ای یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مربوط به جنبه اقتصادی موضوع است. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این مورد می‌گوید: «هزینه تکمیل

دوره‌های مشاوره و روان‌درمانی با توجه به وضعیت اقتصادی الان، خیلی بالاست اما جالب این جاست که متأسفانه هنوز هیچ بیمه‌ای از این خدمات پشتیبانی نمی‌کند». مسائل مربوط به ساختار و محتوای آموزشی رشته مشاوره در دانشگاه‌ها نیز یکی از مضامین مورد نظر مصاحبه‌شوندگان بود. اغلب مصاحبه‌شوندگان نقدهای جدی به نحوه آموزش این رشته داشتند. به طور نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۴ معتقد است، «عنوان‌های درسی رشته مشاوره اصلاً جذابیتی نداشتند، مسائلی که در دانشگاه ارائه می‌شد خیلی بحث تجربه رو در بر نمی‌گرفت، از طرفی کارورزی درستی که شرایطی رو برای دانشجویان ایجاد کنه که بتونه وارد بازار کار بشه نداره. به خاطر همین آدم وقتی فارغ‌التحصیل می‌شه نمی‌دونه چیکار باید بکنه و از کجا باید شروع بکنه». از سوی دیگر یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد عدم مهارت‌آموزی می‌گوید: «دانشگاه این فضا رو به ما نمی‌ده که مهارت رو در این رشته یاد بگیریم و ما خودمون باید علاوه بر اون زمانی که برای دانشگاه می‌ذاریم، زمانی هم برای یادگیری بیرون از دانشگاه بذاریم تا مهارت‌های لازم رو یاد بگیریم».

موضوعات مرتبط به مسائل فرهنگی-اجتماعی نیز از مضامین پرتکرار مصاحبه‌ها بود. عموم مصاحبه‌شوندگان به مسئله فقدان فرهنگ مراجعه به مشاور پرداخته‌اند. اگرچه امروزه مراجعه به مشاور و روان‌شناس مثل گذشته تابو نیست، اما مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در این مورد می‌گوید: «متأسفانه این رشته در ایران فرهنگش جان‌فشارده و در تهران بازار کار بهتر از شهرستان‌ها است». همچنین افزایش فارغ‌التحصیلان رشته مشاوره باعث وسیع شدن عرضه خدمات مشاوره‌ای شده است و این امر با توجه به تقاضای محدودتر به این خدمات، منجر به اشباع عرضه شده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ بیان می‌کند: «تفکر مدرک‌گرایی باعث افزایش میزان فارغ‌التحصیلان مشاوره شده و نوعی این ذهنیت در افراد هست که کار به سختی پیدا می‌شه». یکی دیگر از دغدغه‌های نوین در این عرصه عدم حمایت از ایده‌های استارت‌آپی است.

مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید: «من با چند تا از دوست‌هایم خواستیم یک استارت‌آپی راه بندازیم که آموزش آنلاین انجام بدیم به خانواده‌ها، خصوصاً شهرستان‌ها، اما هیچ نهادی از ما حمایت نکرد».

آخرین مضمون نیمه فرعی در بحث چالش‌های برون‌فردی مربوط به مسائل حرفه‌ای شغل مشاوره است. عموم مصاحبه‌شوندگان به این موضوع اشاره کرده‌اند که ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر برای دستیابی به شغل مناسب مربوط به رشته مشاوره الزامی است و به سختی می‌توان با مدرک کارشناسی شغل متناسبی با رشته تحصیلی مشاوره یافت. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این باره می‌گوید: «تمام مراکز می‌گویند که یا باید ارشد داشته باشید یا دکترا و این مانع از این می‌شه که یک فارغ‌التحصیل کارشناسی بتونه مشغول به کار بشه. حتی سازمان نظام روان‌شناسی هم کسی که کارشناسی داره رو [متخصص] حساب نمی‌کنه. به همین خاطر برای کسب درآمد مناسب، نیازه که ارشد و دکترا بخونیم». یکی دیگر از مضامین پرتکرار در این حیطه، مسیر زمان‌بر و دشوار دستیابی به جایگاه مناسب در شغل مشاوره است. مصاحبه‌شونده شماره ۳ معتقد است: «برای این‌که بتونی در این حیطه به کسب درآمد برسی، باید ارشد بگیری و بعد تازه مجوز بگیری و این پروسه خیلی طولانی هستش و تنها [وزارت] آموزش و پرورش کارشناسی این رشته رو استخدام می‌کنه و این خیلی بده».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی چالش‌ها و موانع مسیر فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مشاوره برای اشتغال به کار مرتبط به این رشته بود. نتایج حاصل از بررسی کیفی و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، ۲ مضمون اصلی، ۶ مضمون نیمه فرعی و ۲۲ مضمون فرعی درباره چالش‌های اشتغال به کار بود که از ۸۸ کد استخراج یافته است. مضامین اصلی این پژوهش به چالش‌های درون‌فردی و چالش‌های برون‌فردی اشاره

دارد. چالش‌های درون‌فردی شامل ۲ مضمون نیمه‌فرعی مسائل شخصیتی و مسائل شناختی است و چالش‌های برون‌فردی شامل ۴ مضمون نیمه‌فرعی تحت عنوان مسائل اقتصادی، مسائل آموزشی، مسائل فرهنگی-اجتماعی و مسائل حرفه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند.

مسائل شناختی در ساحت چالش‌های درون‌فردی به ۳ مضمون فرعی عدم آشنایی با رشته، عدم آگاهی از تفاوت رشته‌ها و عدم بررسی بازار کار اشاره دارد. این مضامین حاکی از آن بود که شناخت ابعاد مختلف رشته تحصیلی در زمان انتخاب آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر عدم شناخت همه جانبه افراد نسبت به رشته تحصیلی مورد انتخابشان، از علل عدم موفقیت آن‌ها در اشتغال به کار مرتبط به رشته تحصیلی‌شان است. دانش‌آموزان باید پیش از انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه، به اطلاعات درست و دقیقی نسبت به آن رشته دست یابند و با آگاهی کامل از ویژگی‌های آن و همچنین آگاهی نسبت به خویشتن و با کمک یک مشاور خبره، به تحصیلات عالی قدم بگذارند تا از آسیب بیکاری پس از فراغت از تحصیل در امان بمانند. نتایج پژوهش برومند و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان می‌دهد، یکی از موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته تربیت بدنی نیز کمبود شناخت کافی دانش‌آموختگان از چگونگی ورود به بازار و توسعه‌ی حضور خود است.

همچنین مسائل شخصیتی نیز ۲ مضمون فرعی کمبود اعتماد به نفس و عدم تشکیل هویت شغلی و نیاز به پختگی را در برمی‌گیرد. این مطالعه نشان می‌دهد از نظر فارغ‌التحصیلان کارشناسی مشاوره، ویژگی‌های شخصیتی در انتخاب و یافتن شغل مناسب و متناسب با رشته تحصیلی‌شان حائز اهمیت است. این بدان معناست که اولاً فارغ‌التحصیلان رشته مشاوره باید خودشان از سلامت روان برخوردار باشند تا بتوانند به دیگران خدمات مرتبط با سلامت روان ارائه بدهند و این مستلزم این است که خود دانشجویان به عنوان مراجع، به جلسات متعدد مشاوره مراجعه نمایند. اما این درحالی

است که عموم افراد مشغول به تحصیل در این رشته چنین کاری نمی‌کنند. ثانیاً دانشجویان مشاوره در دوره کارشناسی به دلیل جوانی و عدم تجربه کافی در مورد مسائل عمیق زندگی و غیرواقعی بودن محیط دانشگاه، نمی‌توانند پختگی لازم را برای درک و حل مشکلات دیگران بیابند. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین همسوست. روکاخ و بولازرگ^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود یکی از موانع اصلی اشتغال به روان‌درمانی را عزت نفس منفی و کمبود اعتماد به نفس معرفی می‌کنند. همچنین پژوهش بجستانی (۱۳۹۴) یکی از عوامل انتقال به کار در فارغ‌التحصیلان حرفه‌های یاورانه را نگرش متمرکز بر شخصیت مشاور قلمداد می‌کند. در همین راستا توپ‌شکن، نقش و جواهری (۱۴۰۰) در پژوهش خود بیان می‌کنند، نگرش مثبت به رشته تحصیلی، سبب افزایش توان سازگاری با مسائل حرفه‌ای می‌شود. همچنین یافته‌های پژوهشی دیگر نشان می‌دهد خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری، خودکارآمدی و خودمختاری بر یافتن شغل مرتبط با تحصیل در فارغ‌التحصیلان دانشگاه موثر است (مرینو، پریوادو، آرنایز^۲، ۲۰۱۹).

مسائل اقتصادی در بحث چالش‌های برون‌فردی نیز به ۵ مضمون فرعی تقسیم می‌شود که عبارتند از شرایط دشوار اقتصادی، هزینه بالای جلسه مشاوره، اجبار به کسب درآمد، سطح درآمد پایین و کمبود تقاضا، عدم حمایت بیمه‌ها. این مضامین بیانگر این امر هستند که از نگاه فارغ‌التحصیلان رشته مشاوره، وضعیت نابه‌سامان اقتصادی و معضلات معیشتی بر عدم تحقق دستیابی به شغل متناسب با تحصیل موثر است. بدیهی است در جامعه‌ای که نیازهای اولیه شهروندان آن به سختی ارضا می‌شود، مسئله سلامت روان اولویت و ضرورت خود را از دست می‌دهد و از سبب سلامت خانواده حذف می‌شود. همین موضوع بازار خدمات مرتبط به سلامت روان را محدود می‌کند و تبعاً هرچه میزان تقاضای این خدمات کمتر باشد، افراد کمتری نیز

1. Rokach, & Boulazreg,
2. Merino, Privado, & Arnaiz,

برای ارائه خدمات مشغول به کار می‌شوند و دانشجویانی که هر ساله از این رشته‌های مرتبط فارغ‌التحصیل می‌شوند، مازاد تقاضا تلقی می‌شوند و به خیل فارغ‌التحصیلان بیکار افزوده می‌شوند. بنابراین معضلات معیشتی یکی از موانع برون‌فردی اشتغال به کار فارغ‌التحصیلان رشته مشاوره است. این یافته با نتیجه پژوهش اخباری و آماده (۱۳۹۴) نیز همسوست. آن‌ها در پژوهش خود تبیین می‌کنند که به طور کلی کاهش نرخ بیکاری با نرخ رشد اقتصادی رابطه مستقیم دارد.

یکی دیگر از مضامین نیمه فرعی از چالش‌های برون‌فردی، مسائل آموزشی است. این مضمون از ۳ مضمون فرعی دیگر یعنی عدم مهارت‌آموزی، کمبود واحدهای درسی عملی و پایین بودن سطح آموزش تشکیل شده است. به عقیده مصاحبه‌شوندگان یکی از معضلات جدی عدم اشتغال، آموزش کم‌کیفیت و غیر کاربردی در دوره کارشناسی دانشگاه است. دانشگاه به عنوان متولی اصلی و رسمی امر آموزش حرفه مشاوره، لازم است با ارائه دروس عملی مرتبط به رشته، آموزش مهارت‌های لازم و بسترسازی مناسب برای انجام کارورزی، اقتضات اشتغال به کار را برای دانشجویان فراهم آورد. در همین راستا نتایج پژوهش بیگدلی، کرامتی و بازرگان (۱۳۹۱) نشان می‌دهد معضلات آموزشی اعم از کاربردی نبودن دروس ارائه‌شده در مراکز آموزش عالی، عدم تناسب محتوای آموزشی در دانشکده‌ها و پایین بودن کارایی دانشگاه‌ها در تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین، جزو ۱۰ اولویت موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی شناخته می‌شود. در همین راستا ماراگاکیس، لالوند، وریزمن^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نیز معتقدند در دوره کارشناسی به دانشجویان مهارت‌های مورد نیاز جهت ورود به بازار کار مشاوره و روان‌شناسی ارائه نمی‌شود و بسیاری از افراد به اجبار بعد از فارغ‌التحصیلی به مشاغل غیرمرتبط رو می‌آورند.

سومین مضمون نیمه فرعی در بحث چالش‌های برون‌فردی، مسائل فرهنگی-

اجتماعی قلمداد می‌شود. این مضمون شامل ۵ مضمون فرعی دیگر تحت عنوان اطلاعات ناکافی مشاوران تحصیلی، اشباع فارغ‌التحصیلان، عدم حمایت استارت‌آپ‌ها، عدم شایسته‌سالاری و فقدان فرهنگ مراجعه به مشاور می‌شود. فرهنگ‌سازی از یک سو و حمایت نهادهای اجتماعی و دولتی از امر سلامت روان از سوی دیگر می‌تواند زمینه مناسب برای گسترش تقاضا به حرفه مشاوره را فراهم آورد.

بطور کلی رشته‌های تحصیلی و مشاغل مرتبط با سلامت روان، پدیده‌ای نوظهور در جامعه ما محسوب می‌شود. به همین دلیل افراد تمایلی به مراجعه نزد متخصصان این امر ندارند؛ در مقابل سلامت فیزیکی که افراد به محض کوچکترین درد جسمی به پزشک مراجعه می‌کنند. از همین رو عدم وجود فرهنگ درست مواجهه با رنج‌های روانی نیز، یکی از عواملی است که موجب عدم رونق بازار مشاغل مرتبط می‌شود. در همین راستا فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها مجبور به اشتغال به کار غیرمرتبط می‌شوند. در واقع عدم فرهنگ‌سازی در مقوله سلامت روان و عدم آگاه‌سازی افراد به ضرورت آن، از چالش‌های موثر بر عدم رونق کسب و کارهای حوزه سلامت روان محسوب می‌شود.

این یافته نیز با پژوهش بجستانی (۱۳۹۴) همسوست. در پژوهش مذکور انتظار کار فرهنگی به عنوان یکی از عوامل موثر بر هویت حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان رشته‌های یاورانه معرفی شده است. همچنین نتایج یک پژوهش در تونس نشان می‌دهد نابرابری اجتماعی و اقتصادی تاثیر مستقیم بر نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌گذارد (عمری^۱، ۲۰۱۹). بر همین اساس افشاری و حسینی (۱۳۹۴) در پژوهش خود ابراز می‌کنند حمایت دولت از مهم‌ترین عوامل ورود فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی به بازار کار است.

آخرین مضمون از چالش‌های برون‌فردی با مسائل حرفه‌ای رشته مشاوره در ارتباط است. به رغم وجود همه چالش‌ها و موانع بیرونی که از کنترل فارغ‌التحصیلان رشته مشاوره خارج است، مقبولیت در رشته مشاوره یا به عبارت دیگر «مشاور شدن»، ذاتا

فرآیندی زمان‌بر است و به صبر و استمرار نیاز دارد؛ چرا که به تعبیری، موضوع رشته مشاوره، انسان و رنج‌های اوست و مواجهه با این موضوع امر ساده و پیش‌پاافتاده‌ای نیست و یک فرد به عنوان مشاور باید سال‌ها در این زمینه مطالعه و کسب تجربه نماید تا بتواند به بهترین نحو با آن روبرو شود. این مانع اگرچه بیرون از کنترل دانشجوی در حال تحصیل است، اما ذاتی رشته مشاوره است.

مسائل حرفه‌ای مورد نظر مصاحبه‌شوندگان به نیاز به ادامه تحصیل، عدم تنوع در شغل‌های مرتبط، دشواری حرفه مشاوره و زمان بر بودن اشاره می‌کند. مشاور شدن، بدون رشد کردن، خودآگاهی، و کمال یافتن امکان‌پذیر نیست و خودکامی از طریق مشاوره و روان‌درمانی، فرصت‌های بی‌ظنیری را در این زمینه در اختیار مشاور می‌گذارد (خاکپور، ۱۳۹۸). در همین راستا یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که اشتغال به حرفه مشاوره در ایران به خودی خود با مسائل و موانعی همراه است که باعث می‌شود فارغ‌التحصیلان این رشته در مقطع کارشناسی نتوانند در شغل متناسب با این رشته مشغول به کار شوند. این یافته نیز با نتایج پژوهش بچستانی (۱۳۹۴) هم‌راستا است.

باتوجه به اینکه یافته‌های بدست آمده از سوالات برای مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان، بر اساس الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی است؛ مضامین اصلی و فرعی در چالش‌های درون فردی از مفاهیم پویایی و هدفمندی، و خویشتن‌پنداری؛ همچنین از بررسی مفاهیم نیازها و تصمیم‌گیری، مضامین اصلی و فرعی چالش‌های برون فردی بدست آمده است. نکته مهمی که در این الگو وجود دارد این است که هدف‌ها شیوه زندگی افراد را مشخص می‌کند که از تعامل بین خویشتن‌پنداری و ارضای نیازها به وجود می‌آید و همین امر در نهایت به تصمیم‌گیری می‌رسد. با توجه به این نکته و مضامینی که از مصاحبه برپایه این الگو از مصاحبه استخراج شده است، می‌توان این‌گونه بیان کرد عدم موفقیت شغلی در فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی مشاوره، به این خاطر است که پس از خروج از مقطع اولیه از آموزش عالی، مسائل برون فردی افراد از

سوی جامعه بدرستی ارضا نمی‌شود و همین امر سبب می‌شود مسائل درون‌فردی نیز دچار تزلزل شود.

یافته‌های این پژوهش اولاً راهنمای افرادی است که در مرحله تصمیم‌گیری در مورد انتخاب رشته مشاوره قرار دارند تا با آگاهی و شناخت مناسب، رشته مشاوره را انتخاب نماید. ثانیاً این مطالعه به دانشجویان در حال تحصیل کمک می‌کند تا با اتخاذ رویکردی دوراندیشانه برای دوران تحصیل و پس از تحصیل خود برنامه‌ریزی نمایند. ثالثاً این پژوهش منجر به ادراک فارغ‌التحصیلان از جایگاه خود و مسیر دستیابی به شغل مناسب می‌شود و در نهایت به متولیان و برنامه‌ریزان این حوزه، مسیر هموارسازی معضلات و مشکلات بیکاری این قشر را نشان می‌دهد.

پژوهش حاضر، اگرچه از نوع کیفی و با روش تحلیل مضمون انجام شده است اما نتایج آن به تمام جامعه دانش‌آموختگان کارشناسی مشاوره قابل‌تعمیم نیست. محدودیت دیگر این پژوهش عدم بهره‌گیری از نظر اساتید، مشاوران شاغل به کار و سایر صاحب‌نظران این حوزه است. به این منظور پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی عقیده صاحب‌نظران امر نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آن‌ها داده شده است. همچنین اصل امانتداری و عدم دخل و تصرف در واژه‌ها، عبارات مصاحبه‌شوندگان رعایت شده است. از سوی دیگر تلاش شد تا در فرآیند مصاحبه هیچ آسیب مالی، جانی، روانی و اخلاقی به مشارکت‌کنندگان وارد نشود.

سهم نویسندگان: نویسنده اول و مسئول مراحل فرآیند پژوهشی را با مشارکت و مساعدت نویسنده دوم مدیریت نموده است.

حمایت مالی: این مقاله تحت حمایت مالی و معنوی هیچ شخص یا سازمانی نیست و همه هزینه‌های آن توسط نویسندگان مقاله تامین شده است.

تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی: از کلیه مصاحبه‌شوندگان که با شرکت در پژوهش به اجرای آن یاری رساندند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- اخباری، رضا؛ آماده، حمید. (۱۳۹۴). تحلیل رابطه انباشتگی میان نرخ بیکاری و رشد اقتصادی با رویکرد آزمون کرانه‌ها: شواهدی از اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصادی. ۱۵(۵۹): ۱۶۰-۱۲۵.
- افشاری، طاهره و حسینی، سیده سعدا. (۱۳۹۴). شناسایی و تحلیل موانع اشتغال در رشته‌ی علوم تربیتی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد شهر تهران. مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی. ۸(۱۵): ۱۱۸-۱۰۵.
- برومند، محمدرضا؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ رضانی نژاد، رحیم؛ رضوی، سیدمحمد حسین و ملک‌اخلاق، اسماعیل. (۱۳۹۰). بررسی موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران. پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۷(۱۴): ۷۲-۵۱.
- بیگدلی، مرگان؛ کرامتی، محمدرضا و بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۶۵: ۱۳۱-۱۱۱.
- توپ‌شکن، میلاد؛ نقش، زهرا؛ جواهری محمدی، عباس. (۱۴۰۰). بررسی پدیدارشناسانه‌گرایی دانشجویان با رشته‌های غیرمرتبط به تحصیل در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی. ۱۲(۲): ۱۵۷-۱۳۹. doi.org/10.22059/japr.2021.316595.643725
- خاکپور، رضا. (۱۳۹۸). تاثیر گروه‌تعلیمی و گروه حساسیت‌آموزی بر میزان اشتباهات ناشی از انتقال متقابل منفی مشاوران/رواندرمانگران. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره. ۷۲: ۲۲۴-۲۰۱.
- dx.doi.org/10.29252/jcr.18.72.201
- زارع بهرام‌آبادی، مهدی؛ افراز، سحر؛ قسیمی، شهرنوش؛ مشایخی، مصطفی. (۱۳۹۹). رابطه نیمرخ علایق شغلی با انگیزش تحصیلی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره. دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی. ۴(۲): ۲۸۵-۲۶۶. doi.org/10.30487/jcp.2021.287460.1271
- سلیمی بجستانی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی تجربه‌ی انتقال به کار حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان حرفه‌های یاورانه. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره. ۷۰: ۵۳-۵۲.

شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۹). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل. تهران: رشد.
 شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۲). راهنمایی و مشاوره‌ی تحصیلی و شغلی. تهران: دانشگاه پیام نور.
 صائمی فرد، موسی الرضا؛ بخش‌ی پور، ابوالفضل؛ محمدی پور، محمد. (۱۳۹۹). اثربخشی الگوی چندمحوری انتخاب شغل بر توسعه مشاغل خانگی کوچک و متوسط. مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲۷(۶): ۷۶۸-۷۶۱.

رضایی، اکرم‌السادات؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۴). مقایسه اثربخشی آموزش الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی با سازه‌گرایی ساویکاس بر خودکارآمدی در تصمیم‌گیری شغلی بیکارشدگان جوانی کار تحت پوشش بیمه بیکاری. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره. ۵۴: ۲۶-۵۱.
 مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۹.

<https://www.Amar.org.ir/news/ID/15565>

ملک پور، علی و محمدی، فواد. (۱۳۹۲). بررسی زمینه‌ها و موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مقطع کارشناسی رشته علوم انسانی شهرستان بیجار. ماهنامه کار و جامعه. ۱۵۷: ۳۷-۲۴.
 نوایی‌نژاد، شکوه؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ اژه‌ای، جواد؛ احقر، قدسی؛ آرین، خدیجه؛ حسینی بیرجندی، سید مهدی؛ رسولی، محسن؛ زارع بهرام‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۵). مبانی راهنمایی و مشاوره. تهران: سمت.

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. dx.

doi.org/10.1191/1478088706qp063oa

Flanagan, R., Flanagan, J. (2015). *Becoming an Ethical Helping Professional, with Video Resource Center: Cultural and Philosophical Foundations*. John Wiley & Sons.

Maragakis, A., LaLonde, L., Vriesman, M., & Orkopoulou, E. (2020). Using a systematic approach to improve undergraduate training in psychology. *Translational Issues in Psychological Science*, 6(2), 107–117.

dx.doi.org/10.1037/tps0000227

Merino, D. M., Privado, J., Arnaiz, R. (2019). Is There Any Relationship between Unemployment in Young Graduates and Psychological Resources? An Empirical Research from the Conservation of Resources Theory. *Journal of Work and Organizational Psychology*, 35(1), 1-8.

dx.doi.org/10.5093/jwop2019a1

Moss, J. M., Gibson, D. M., Dollahide, C. T. (2014). Professional identity development: A grounded theory of transformational tasks of counselors. *Journal of Counseling & Development*, 92(1), 3-12.

doi.org/10.1002/j.1556-6676.2014.00124.x

Omri, I. (2019). Graduates' Unemployment and Entrepreneurship Quality in Tunisia. *International Journal of English, Literature and Social Science*, 4(4), 1220-1233. dx.doi.org/10.22161/ijels.4449

- Rokach, A., & Boulazreg, S. (2020). The Road to Becoming a Psychologist: Indicators of Success and Hardship during the University Years. *The Journal of Psychology*, 154: 632-661. [dx.doi.org/10.1080/00223980.2020.1771538](https://doi.org/10.1080/00223980.2020.1771538)
- Tulu, Sh, K. (2017). A Qualitative Assessment of Unemployment and Psychology Fresh Graduates' Job Expectation and Preference. *Psychology and Behavioral Sciences*, 6(2), 21-29. [dx.doi.org/10.11648/j.pbs.20170602.12](https://doi.org/10.11648/j.pbs.20170602.12)
- Hwang, Y. (2017). What Is the Cause of Graduates' Unemployment? Focus on Individual Concerns and Perspectives. *Journal of Educational Issues*, 3(2), 1-10. [dx.doi.org/10.5296/jei.v3i2.11378](https://doi.org/10.5296/jei.v3i2.11378)

